



چهارشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۵۴۵

## اقتصادی

### اخبار

خداحافظی با ریال قدیم

در سال ۱۴۰۹

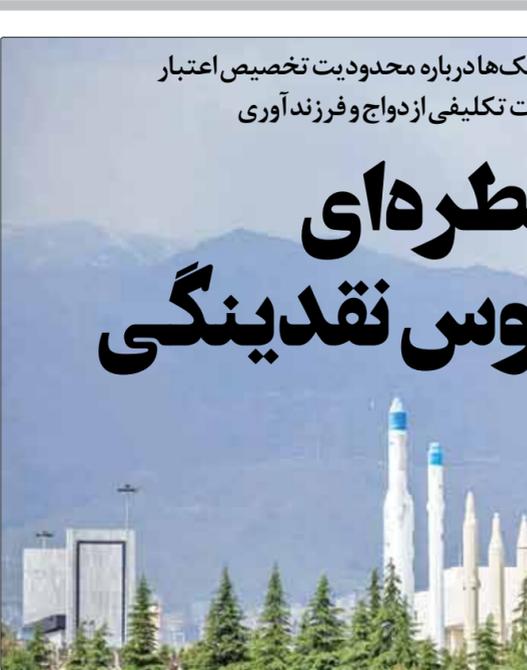


با آغاز فرآیند آماده‌سازی برای اصلاح واحد پول ملی، اجرای قانون حذف ۴ صفر از ریال وارد مرحله عملیاتی مقدماتی شده‌است؛ طری‌که طبق زمان‌بندی مصوب، در یک بازه ۵ساله اجرا می‌شود و هدف اصلی آن، ساده‌سازی محاسبات پولی و افزایش کارایی مبادلات مالی عنوان شده است. فخری محدث، رئیس گروه اقتصاد دیجیتال اداره تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی، با تشریح آخرین وضعیت اجرای این قانون اعلام کرد: قانون اصلاح بند «الف» ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی، هشتم آبان‌ماه ۱۴۰۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از ۱۶ آذر همان سال لازم‌الاجرا شد. بر اساس این قانون، از زمان لازم‌الاجرا شدن، یک دوره ۲ساله برای آماده‌سازی زیرساخت‌ها در نظر گرفته شده است. به گفته وی، این دوره ۲ ساله که تا آذر ۱۴۰۶ ادامه خواهد داشت، به‌منظور به‌روزرسانی سامانه‌های بانکی، مالی، حسابداری، مالیاتی و تمام سیستم‌هایی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با نظام پرداخت کشور در ارتباط هستند. پس از پایان این مرحله، کشور وارد دوره گذار ۳ساله خواهد شد. رئیس گروه اقتصاد دیجیتال بانک مرکزی با اشاره به ویژگی‌های دوره گذار تصریح کرد: در این بازه ۳ ساله، ریال قدیم و ریال جدید به‌صورت هم‌زمان معتبر خواهند بود و مردم می‌توانند با هر ۲ واحد پولی مبادلات خود را انجام دهند. پس از پایان این دوره، ریال قدیم به‌طور کامل از چرخه مبادلات خارج شده و تنها ریال جدید مبنای تمام قراردادها، محاسبات و تراکنش‌های مالی خواهد بود. محدث تأکید کرد: براساس قانون، واحد پول ملی همچنان «ریال» باقی می‌ماند اما با حذف ۴ صفر، هر ریال جدید معادل ۱۰ هزار ریال قدیم تعریف می‌شود. همچنین برای واحد پول خرد، «قران» در نظر گرفته شده است؛ به‌گونه‌ای که هر ۱۰۰ قران برابر با یک ریال جدید خواهد بود. این تغییر، صرفاً یک تغییر اسمی و محاسباتی است و هیچ تغییری در ارزش واقعی پول یا قدرت خرید مردم ایجاد نمی‌کند. وی با رد هرگونه تأثیر این طرح بر متغیرهای کلان اقتصادی گفت: حذف ۴ صفر هیچ اثری بر پایه پولی، نقدینگی و نرخ تورم ندارد و قرار نیست خلق پول جدیدی صورت گیرد. برنامه چاپ اسکناس نیز منطبق روال گذشته ادامه می‌یابد و تنها به‌تدریج اسکناس‌های جدید با واحد پولی جدید وارد چرخه می‌شوند.

### رکوردشکنی تولید گاز در میدان مشترک پارس جنوبی



مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس با اشاره به ثبت رکوردی تاریخی در برداشت گاز از میدان پارس جنوبی، گفت: تحقق نصاب برداشت روزانه ۷۳۰ میلیون متر مکعب گاز یعنی از این میدان، گازی، عددی بی‌سابقه و مویب تلاش، توانمندی و سربلندی متخصصان صنعت نفت کشور در تولید حداکثری گاز و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت میدان مشترک است. توج دهقانی درباره روند فعالیت‌های انجام شده در مسیر کسب این نصاب تولیدی جدید، به عملیات تعمیرات اساسی سکوهای پارس جنوبی در نیمه نخست امسال به عنوان یکی از ارکان تولید پایدار گاز این میدان اشاره کرد و افزود: تعمیرات اساسی ۳۵ سکوی فراساحلی پارس جنوبی در قالب یک برنامه منظم و منسجم با تلاش همکاران عملیات و پشتیبانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شد. وی افزود: نکته مهم این است که پیشبرد درست و بهینه فرآیند تعمیرات اساسی علاوه بر آماده‌سازی کامل سکوها برای تولید حداکثری گاز از محل کاهش توقف‌های تولید، به خلق ارزشی معادل تولید حدود ۹ میلیون بشکه نفت خام منتج شد. مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس با اشاره به بهره‌برداری از چاه‌های طرح اینفیل و همچنین تحقق افزایش ظرفیت تولید گاز در فازهای ۱۱ و ۱۲ از پارس جنوبی، تصریح کرد: مجموعه‌ای از اقدامات فنی و تخصصی در قالب طرح‌های توسعه‌ای و تولیدی همگام با پشتیبانی موثر واحدهای ستادی، حداکثرسازی تولید گاز پارس جنوبی را به دنبال داشته است. وی با بیان اینکه این شرکت با بهره‌برداری از ۱۴ حلقه چاه جدید در ۱۶ ماه اخیر، توانسته به ظرفیت تولید روزانه گاز میدان پارس جنوبی اضافه کرده و تراز گازی کشور را بهبود بخشد، ادامه داد: اهمیت این میزان تولید زمانی آشکار می‌شود که بدانیم حتی یک متر مکعب افزایش تولید گاز آن هم با وجود مصائب کاری حوزه فراساحل، مستلزم تدابیر و تصمیمات کلان و موثر آمادگی کامل زیرساخت‌های تولید و تلاشی مضاعف است. دهقانی درباره رؤس دیگر اقدامات مهم شرکت نفت و گاز پارس، از تقویت ناوگان حفاری این شرکت خبر داد و گفت: در مدت زمان مورد اشاره، تعداد دکل‌های فعال تحت افزایش نفت و گاز پارس از ۴ دستگاه به ۱۱ دستگاه افزایش یافت. همچنین قفل توسعه میداین پارس شمالی، بلال و فرزاد گشوده شد به طوری که حفاری در میدان مشترک گازی بلال کلید خورده است و طی روزهای اخیر پارگیری نخستین جکت طرح توسعه میدان مشترک «فرزاد ب» نیز با موفقیت پایان یافته و این جکت برای نصب در آب‌های مرزی ایران و عربستان راهی خلیج فارس شده است.



بررسی بهانه‌های بانک‌ها درباره محدودیت تخصیص اعتبار

به تسهیلات تکلیفی ازدواج و فرزندآوری

# قطرهای در اقیانوس نقدینگی



یا رضایت عمومی برجا یگنارد. در جریان بررسی بودجه، اختلاف اصلی میان نهادهای قانون‌گذار و نهادهای ناظر پولی بر سر «توزیع منابع محدود بین تسهیلات تکلیفی خرد (وام ازدواج و فرزندآوری) و دیگر مصارف بانکی» بوده است. این مناقشه به‌طور مشخص میان مجلس شورای اسلامی، بانک مرکزی ایران و سازمان برنامه و بودجه بروز کرده و بلکه فرآیند تصویب کمیسیون‌های تخصصی و نه‌پایانه به‌مرجع‌هایی همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی نظارت آن را جاع شده است.

### علل ساختاری ناترازی و طولانی شدن صف‌ها

طولانی شدن صف متقاضیان تسهیلات حمایتی و بروز ناترازی در تخصیص منابع وام‌های تکلیفی، معلول تلاقی چند عامل مهم ساختاری و سیاستی است. نقطه آغازین این چالش را باید در رویکردهای کلان سیاست‌گذار پولی جست‌وجو کرد. از سال ۱۴۰۱، بانک مرکزی با هدف کنترل ریسک‌های سیستمی و تثبیت متغیرهای پولی، سیاست سخت‌گیرانه‌ای را برای مهار و کنترل ترازنامه شبکه بانکی به اجرا درآورد. هرچند این رویه از منظر انضباط مالی و اقتصاد کلان ضروری به نظر می‌رسید اما در عمل موجب کاهش چشمگیر توان و تمایل بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات جدید شد و ظرفیت آنها را برای پوشش وام‌های تکلیفی به‌شدت تضعیف کرد.

در پی این محدودیت‌های ساختاری، تضاد عمیقی میان «تکالیف قانونی مصوب» و «ظرفیت عملیاتی نظام بانکی» نمایان شد. تسهیلاتی نظیر وام ازدواج و فرزندآوری با ارقام مشخصی در بودجه‌های سالانه تصویب می‌شوند و بانک‌ها به لحاظ قانونی ملزم به اجرای بی‌قیدوشرط آنها هستند. در نتیجه همواره این انتظار وجود دارد که تقاضاها به‌طور کامل پاسخ داده شوند. با این حال، تازمانی که محدودیت‌های سخت ترازنامه‌ای و واقعیت منابع در دسترس بانک‌ها اجازه پاسخگویی ندهند، شکافی ناگزیر میان الزام قانون‌گذار و توان مجری به وجود می‌آید که تجلی بارز آن، انباشت تقاضا و شکل‌گیری صف‌های انتظار است.

از سوی دیگر، معادلات حاکم بر تعیین سقف پرداختی وام‌ها نیز بر وخامت این صف‌ها افزوده است.

این فشارهای سیاسی- اجتماعی، مجریان اقتصاد را بر سر یک دوراهی و پیامدهای پیچیده آن قرار داده است. از یک سو، اگر بانک‌ها به‌دلیل محدودیت‌های ترازنامه‌ای و قفمان منابع واقعی از پرداخت وام‌های خرد امتناع کنند، تقاضاهای سرکوب‌شده به‌تدریج روی هم انباشته شده و در آینده‌ای نزدیک به شکل فشارها و جهش‌های مخرب در متغیرهای پولی و مالی نمودار می‌شوند. از سوی دیگر، رویکرد مقابل نیز پرخطر است. چنانچه دولت یا نهاد قانون‌گذار، بدون توجه به ظرفیت تاب‌آوری و پایداری ترازنامه‌های بانکی، بر افزایش دستوری منابع بافشاری کنند، ریسک ناترازی شبکه بانکی به‌شدت بالا رفته و ثبات فضای پولی و اقتصاد کلان کشور دستخوش تلاطم خواهد شد.

### سهام ناچیز یا بازپرداخت مطمئن

تومان لحاظ شود.

با وجود بحث‌ها و حساسیت‌های بودجه‌ای بر سر این وام‌ها، نگاهی به عملکرد شبکه بانکی در سال ۱۴۰۳ تصویر و مقیاس واقعی این ارقام را روشن می‌سازد. در سال یادشده، مجموع تسهیلات پرداختی شبکه بانکی رقمی بالغ بر ۷۶۶۴ همت است. از این اقیانوس نقدینگی، تنها ۱۸۹ همت (معادل ۲.۴ درصد) به وام ازدواج و حدود ۳۸ همت (معادل ۰.۵ درصد) به وام فرزندآوری اختصاص یافته است. حتی با اضافه کردن ۱۱۰ همت از سایر تسهیلات خرد حمایتی مانند وام خرید و ودیعه مسکن، مجموع این سرفصل‌های اجتماعی کمتر از ۴ درصد از کل تسهیلات پرداخت‌شده بانکی را تشکیل می‌دهد.

نکته قابل تأمل در این ارزیابی آماری، به کیفیت بازپرداخت وام‌های حمایتی برمی‌گردد. آمارهای گزارش‌شده در نهادهای تحلیلی و رسانه‌ای نشان می‌دهد نرخ نکول (عدم بازپرداخت) در این تسهیلات خرد، کمتر از ۲ درصد است. در سوی مقابل، بخش بزرگی از تسهیلات کلان بانکی یا وام‌هایی که به اشخاص و نهادهای مرتبط با خود بانک‌ها پرداخت شده، با نرخ‌های نکول به مراتب بالاتری روبه‌رو بوده‌اند. این مقایسه به‌خوبی نشان می‌دهد تسهیلات حمایتی خانوار با سهم ناچیز از کل وام‌های بانکی، بازدهی و امنیت بازپرداخت بسیار بالاتری دارند.

### هزینه‌های انتظار طولانی

پیامدهای تأخیر در پرداخت وام ازدواج، پیش از هر چیز خود را در ساخت اجتماعی و روند تشکیل خانواده نشان می‌دهد. انتظار طولانی و گاه بیش از ۹ ماهه متقاضیان در صف‌های دریافت تسهیلات، نه تنها برنامه‌ریزی زوج‌ها برای آغاز زندگی مشترک را به تعویق می‌اندازد، بلکه به تشدید استرس‌های اقتصادی و بروز نارضایتی‌های گسترده‌ی اجتماعی دامن می‌زند. بازتاب گریزناپذیر این سرخوردگی عمومی، ایجاد فشار سیاسی مضاعف از کف جامعه بر نمایندگان مجلس و بدنه دولت است؛ فشاری که سیاست‌گذار را ناگزیر می‌سازد برای پاسخگویی به افکار عمومی، مطالبات مدامی را جهت افزایش سقف اعتبارات یا یافتن منابع جدید در دستور کار قرار دهد.

### گذر از بن‌بست وام ازدواج؛ کالبدشکافی گلوگاه‌های تصمیم‌گیری و سناریوهای سیاستی

مسیر تخصیص بودجه برای وام‌های حمایتی همواره با ۲ گلوگاه نهادهی و تصمیم‌گیری اساسی روبه‌رو بوده است. نخستین چالش، تناقض آشکار میان برآوردهای کارشناسی نهادهایی چون مرکز پژوهش‌های مجلس و رویکرد محافظه‌کارانه بانک مرکزی است. به‌طوری که حتی برآوردهای تعدیل‌شده و محتاطانه مجلس نیز غالباً مورد پذیرش بانک مرکزی قرار نمی‌گیرد و این نهاد پیوسته بر محدودیت منابع خود تأکید می‌ورزد. در کنار این تقابل، ورود نهادهای عالی نظارتی نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان دومین گلوگاه، کلاف این بودجه‌ریزی را پیچیده‌تر کرده است. این نهادها با استناد به ملاحظات مربوط به «ناترازی شبکه بانکی»، بارها مصوبات مجلس برای افزایش منابع تسهیلات حمایتی را رد یا تعدیل کرده‌اند. حاصل این کشمکش‌های رفت‌وبرگشتی، تقلیل منابع نهایی مصوب در سال‌های پیاپی (نظیر ۱۴۰۲ و ۱۴۰۴) و در نتیجه، تشدید و طولانی‌تر

### فرجام سخن

دوم، مباحث آماری است. با وجود مقاومت و نگرانی نهادهای پولی پیرامون تأمین این منابع، داده‌های متفن آماری تصویر دیگری را روایت می‌کنند. بررسی عملکرد نظام بانکی نشان می‌دهد تسهیلات خرد حمایتی نه‌تنها سهم بسیار ناچیزی از کل تسهیلات پرداخت‌شده شبکه بانکی را در اختیار دارند، بلکه به واسطه تعهد گیرندگان، از پایین‌ترین نرخ نکول (عدم بازپرداخت) نیز برخوردارند. با اتکا به این واقعیت، آشکار می‌شود که نسخه شفابخش برای مدیریت این شرایط، پاک کردن صورت‌مساله از طریق محدودسازی یا حذف این وام‌ها نیست، بلکه برون‌رفت از این چالش منوط به ۳ اقدام اساسی است: نخست، ایجاد منابع مالی پایدار، هدف‌گذاری هوشمندانه‌تر تسهیلات و از همه مهم‌تر اعمال اصلاحات بنیادین در ساختار تسهیلات کلان و بر خورد با ناترازی وام‌های دانه‌درشت بانکی.